بررسی تطبیقی مفهوم عقل در منابع اسلامی، روان‌پزشکی و روان‌شناسی

سید غفور موسوی[۱]، احمد کرمی[۲]، امراله ابراهیمی[۳]، اصغر طاهرزاده[۴]

مقاله مروری

چکیده

زمینه و هدف: عقل و دیگر کلمات معادل آن در علوم اسلامی، روان‌شناسی و روان‌پزشکی از اهمیت خاصی برخوردار است. علت این موضوع جایگاه و تأثیر عقل در وضعیت سلامت انسان می‌باشد. مطالعه حاضر به تبیین و بررسی تطبیقی این مفهوم در منابع مذکور پرداخت.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مروری، پس از یافتن تعریف عقل در فرهنگ لغات عربی، فارسی، انگلیسی و نیز در فرهنگ لغات قرآنی، مفهوم عقل از منظر فلاسفه، پیشوایان اسلامی و قرآن استخراج گردید. سپس با مراجعه به کتب مرجع روان‌پزشکی و روان‌شناسی دانشگاهی، مفاهیم مرتبط با عقل استخراج شد و به وسیله تطبیق این مفاهیم، ویژگی‌ها، نقاط اشتراک و تفاوت آن‌ها توصیف گردید.

یافته‌ها: یافته‌های مطالعه مفهوم عقل را در سه قسمت توصیف می‌کند؛ منابع اسلامی ضمن تفکیک عقل به نظری و عملی، عقل را به عنوان قدرت تشخیص انسان، عاملی برای بازداری از انحراف و فساد، اساس شخصیت انسان و ملاکی برای ارزیابی انسان در دنیای پس از مرگ توصیف کرده‌اند. در فرهنگ روان‌پزشکی، عاقل بودن به مفهوم داشتن بینش صحیح نسبت به خود و بیماری خود، قضاوت صحیح در شرایط مختلف و داشتن تفکری عاری از آسیب‌های مختلف می‌باشد. در روان‌شناسی نیز عقل عبارت از توانایی فکر و عمل بر اساس دانش‌ها و تجربه‌ها، بینش صحیح نسبت به آن‌ها است.

نتیجه‌گیری: در هر سه منبع به سیر تدریجی برای تکامل عقل، عوامل و موانع مؤثر در آن و راه‌های برون رفت از آن‌ها اشاراتی شده است، اما در منابع اسلامی مفهوم دنیای پس از مرگ به عنوان یک موضوع اساسی و مهم، دارای ابعاد و رویکرد متمایزی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: عقل، اندیشه، قضاوت، اسلام، روان‌پزشکی، روان‌شناسی

ارجاع: موسوی سید غفور، کرمی احمد، ابراهیمی امراله، طاهرزاده اصغر. **بررسی تطبیقی مفهوم عقل در منابع اسلامی، روان‌پزشکی و روان‌شناسی.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۶؛ ۱۵ (۲): ۲۶۸-۲۶۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۵ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۱۷

مقدمه

عقل و دیگر کلمات معادل آن در علوم اسلامی، روان‌شناسی و روان‌پزشکی از جایگاه خاصی برخوردار است. شناخت چیستی، ابعاد مختلف و مراتب مفهوم عقل، جایگاه و منزلت عقل، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این مفهوم از دیگر ابعاد شخصیتی انسان، تغییر و ثبات عقل، سلامت و بیماری عقل از دیدگاه علوم اسلامی از موضوعات مهم این حیطه به شمار می‌رود (۱). مقالات و کتب فراوانی که در آن دانشمندان علوم اسلامی و انسانی سعی کرده‌اند به نوعی این مفهوم را تعریف و بسط دهند، به تنهایی دلیل کافی بر این ادعا است و می‌توان به آثار برجسته‌ای از جهان اسلام که در این زمینه توسط دانشمندان شاخصی همچون ابن‌سینا، فارابی، ابن‌عربی، ملاصدرا و علامه طباطبایی به رشته تحریر درآمده است، اشاره کرد (۲). در حیطه علوم انسانی نیز دانشمندان زیادی همچون سقراط، بقراط، افلاطون و دانشمندان دو سده اخیر در این زمینه آثار و مقالات فراوانی داشته‌اند (۳).

با مطالعه و دقت در مقالات زیادی که در این رابطه انتشار یافته است، مانند رابطه عقل و وحی از نظر امام محمد غزالی، بررسی تطبیقی مفهوم عقل در فلسفه ابن‌سینا و Agonias، مقایسه بین دیدگاه‌های ملاصدرا، مولوی، ابن‌عربی و Ibn Arabi، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دست یافتن به یک مفهوم کلی مشترک از عقل امکان‌پذیر است؟ (۴).

اگرچه در نگاه ابتدایی و ظاهری، در علوم روان‌شناسی و روان‌پزشکی مفهوم عقل تا حدودی کم‌رنگ به نظر می‌رسد، اما در جای جای این متون با عناوین مختلف از مفاهیم غیر مستقیم مربوط به عقل استفاده شده است که در این راستا می‌توان به کلماتی همچون Wisdom، Reason، Intellect، Understanding، Thought، Mind، Insight، Judgement، Belief، Ration و نظایر آن اشاره کرد (۵). از این‌رو، در روان‌شناسی و روان‌پزشکی

۱- استاد، مرکز تحقیقات علوم رفتاری و گروه روان‌پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۲- روان‌پزشک، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۳- دانشیار، مرکز تحقیقات علوم رفتاری و گروه روان‌پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
۴- استاد، گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسؤول: سید غفور موسوی Email: mousavi@med.mui.ac.ir

مدرن نیز عقل جایگاه مهمی دارد؛ چرا که در یک طرف وجود و سلامت عقل شاخص سلامت روان است و از طرف دیگر، ضعف یا اختلالات آن می‌تواند شاخص‌های خوبی برای ابتلا به بیماری‌های روانی باشد، اما بر خلاف این موضوع، این سؤال مطرح است که آیا معادل‌های مفهوم عقل در روان‌پزشکی و روان‌شناسی (از قبیل Reality testing = سنجش واقعیت، Judgement = قضاوت، Thought = تفکر و Ration = منطق)، مساوی همان مفهوم عقل در علوم اسلامی و علوم قضایی است یا با آن تفاوت دارد؟ بدیهی است که هرچه فهم فرد از این موضوع (عقل) به واقعیت نزدیک‌تر باشد، عملکرد وی در درمان بیماران و نیز ارتقای بهداشت روانی مؤثرتر خواهد بود. از این‌رو، با توجه به اسلامی بودن فرهنگ ما و مبتنی بودن بسیاری از رویکردها در حیطه‌های مختلف جامعه (قضایی، آموزش و پرورش، مراودات عادی مردمی و...) بر رویکردهای اسلامی و نیز کمبود مطالعات تطبیقی در مورد این موضوع، پژوهش حاضر به بررسی مفهوم و ویژگی‌های عقل از منظر منابع اسلامی، روان‌پزشکی، روان‌شناسی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر پرداخت (۶).

مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع مرور کتابخانه‌ای بود که در آن ابتدا معادل‌های عقل و واژه‌های نزدیک به آن در زبان فارسی مانند خرد، فکر، اندیشه، عقیده، نظر، نیت، ذهن، بینش، قضاوت، هوش، فهم، زیرکی، فراست، بصیرت، آگاهی و نیز معادل انگلیسی آن مانند Idea، Thought، Wisdom، Reason، Intellect، Belief، Understanding، Judgement، Insight، Mind، Realism و نیز معادل عربی مانند نهیه، قلب و لب استخراج گردید. سپس با روش جستجوی الکترونیکی و نیز استخراج مستقیم از منابع غیر الکترونیک اسلامی که شامل قرآن، روایات و نظرات دانشمندان برجسته علوم اسلامی (ابن‌سینا، ملاصدرا، علامه محمد حسین طباطبایی و...) بود، به جمع‌آوری و طبقه‌بندی مفهوم عقل در این منابع پرداخته شد.

در مرحله بعد با استفاده از همین روش، توضیحات مربوط به واژه‌های انگلیسی در برگیرنده این مفهوم در کتاب‌هایی مانند کتاب جامع روان‌پزشکی (Comprehensive T.Psychiatry) و خلاصه روان‌پزشکی (Synopsis) و نیز منابع دانشگاهی روان‌شناسی مانند روان‌شناسی Hilgard جستجو و و طبقه‌بندی گردید. در نهایت، تفاوت‌ها و شباهت‌های این مفهوم در منبع سه‌گانه ذکر شده استخراج و تا حدودی به بحث کشیده شد. سعی شد که منابع چاپ شده سه دهه اخیر استفاده شود و در این راستا، آخرین منابع علوم روان‌پزشکی و روان‌شناسی در دسترس به کار گرفته شد.

یافته‌ها

الف. معنی لغوی و اصطلاحی عقل: عقل واژه‌ای عربی است و در عربی عقال (افسار) مانع حرکت شتر معرفی می‌گردد (۷) و معادل فارسی این واژه خرد، اندیشه و گاهی هوش می‌باشد (۸) و برای معادل انگلیسی آن بیشتر می‌توان به Wisdom اشاره کرد (۹). خرد (Wisdom) عبارت از توانایی فکر و عمل بر اساس دانش، تجربه، دانستنی‌ها و بینش به آن‌ها است (۱۰). در زبان عربی به کسی که در حال دیدن است، «مبصر» و کسی را که می‌تواند ببیند، «بصیر» می‌گویند، اما برای عقل چنین تعبیری وجود ندارد؛ چرا که در آن صورت باید به کسی که در حال تعقل کردن است، «عقلنده» گفت و البته این اصطلاح وجود ندارد و برای عقل در جایگاه مصدری و فعلی از کلماتی مانند فهمیدن، علم پیدا کردن و تعقل کردن استفاده می‌شود و در جایگاه اسمی نیز از این لفظ استفاده می‌گردد، یعنی کسی که عاقل است.

در اصطلاح برای عقل می‌توان دو مفهوم را متذکر شد؛ یکی «توانایی و پتانسیلی که بالفطره آماده قبول دانش است» و دیگری «علمی است که به وسیله آن توانایی کسب می‌شود».

ب. عقل از نظر فلاسفه: در حکمت متعالی، «نیروهای انسان» درجات مختلف یک انسان واحده است و حقیقتی جدای از حقیقت آن انسان واحده ندارد. همان نفس واحده که دارای درجاتی است و در هر مرحله یک کاری انجام می‌دهد، نه این که یک نفس باشد و چند «نیرو» داشته باشد. این مراتب و درجات به طور ناگهانی برای انسان حاصل نمی‌شود، بلکه به موازات همدیگر انسان به آن‌ها دست می‌یابد (۱۱). نفس انسانی ارتباطی با مبادی عالیه و بالاتر از خودش (خداوند، پیامبر و...) دارد و از آن‌ها در زمینه‌های مختلف بهره‌مند می‌شود و ارتباطی هم به پایین‌تر از خود، یعنی بدن دارد؛ بدین معنی که آن را بهره‌مند می‌سازد و هدایت می‌کند. از این‌رو، این نیروی ادراک کننده، دو عملکرد خواهد داشت؛ یکی عقل نظری که مبین ارتباط آن به عالم بالاتر از خودش می‌باشد و دیگری عقل عملی که مبین آن به عالم مادون خویش است.

عقل نظری همان بینش انسان و کار آن، ادراک کلیات و مفاهیم الهی است و حیطه عملیاتی آن در محدوده «واقعیت‌ها» یا «هست‌ها» می‌باشد و مربوط به اموری است که وجود یا عدم وجود آن‌ها در اختیار ما نیست. حیطه کار عقل نظری را اعتقادات تشکیل می‌دهد. دستاورد عقل نظری در یک نگاه، «جهان‌بینی» است. در این رابطه، برای عقل نظری مراتب و مسیر رشدی مطرح شده که در ادامه به تفصیل آمده است.

۱- عقل هیولانی: یک نیروی خالص که مستعد است به عقل بالفعل برسد و فاقد مفاهیم عقلی می‌باشد و هر نقشی که به او داده شود، می‌گیرد و مانند طفلی است که مستعد آموختن می‌باشد و به این «عقل منفعل» نیز می‌گویند.

۲- عقل بالملکه: انسان در این مرحله دارای «معقولات اولیه» می‌شود که نسبت به مفاهیم «معقولات ثانویه» در حکم نیروی بالقوه و پتانسیل است. به این مرحله از عقل «استعداد اکتساب» می‌گویند و مانند کودکی که آماده شده او را نزد استاد ببرند.

۳- عقل بالفعل: استعداد اکتساب در این مرحله به عمل تبدیل می‌شود و نفس توانایی و قدرت حاضر نمودن معانی و معقولات کسب شده در ذهن را دارا می‌شود. در این مرحله نظریات را به وسیله بدیهیات و ضروریات از طریق فکر کردن یا حدس زدن کسب می‌کند و احتیاج به کسب جدید ندارد و با توجه به خزانه خود آن‌ها را استحضار می‌کند.

۴- عقل بالمستفاد: در این مرحله تمام نیروها و استعدادهای قوه عاقله به فعلیت می‌رسد و دیگر هیچ حالت منتظره‌ای در آن نیست، بلکه تمام معقولات در نزد او حاضر است. در این مرحله انسان مانند کسی است که نوشتن را در عمل آموخته است و توانایی نوشتن دارد و این عقل اولین مرحله موجودات مستقل شده و کامل در قوس صعود می‌باشد که به طور کلی از ماده و ملحقات ماده مبرا می‌باشد (مجرد) و نفس انسان در این مقام به منتها مراتب خود می‌رسد (۱۲، ۵، ۳).

www.mui.ac.ir

عقل عملی مربوط به اموری است که وجود و عدم آن‌ها در اختیار ما می‌باشد و افعال مفید به حال انسان را معرفی می‌کند و کار آن، تشخیص بایدها و نبایدها و تدبیر کننده بدن است. عقل عملی نیز مسیر رشد و مراتبی دارد که شامل تخلیه (پیرایش از تمام رذایل)، تجلیه (جلا دادن ظاهر)، تحلیه (جایگزین کردن فضایل) و فنا (غرق در تماشای جمال حق، از نظر افعالی، صفاتی و ذاتی) می‌باشد. به بیان دیگر، می‌توان گفت که قرار است تا تمام آنچه را که عقل نظری می‌فهمد، عقل عملی اجرا کند و این دو در اصل دو روی یک سکه هستند و در مراحل عالی مانند هم می‌شوند (۱۳) (شکل ۱).

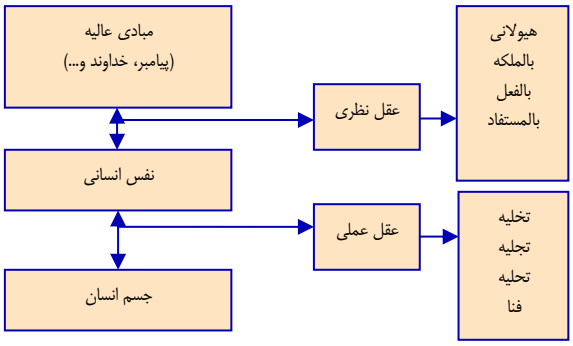

شکل ۱. عقل نظری و عقل عملی

ابن‌سینا نفس را به سه نوع «نباتی، حیوانی و انسانی»تقسیم می‌کند که «نفس نباتی» دارای توانایی‌های تغذیه، خواب و تولید مثل است. «نفس حیوانی» شامل دو قسمت حرکتی و ادراکی می‌باشد. نفس حرکتی (شوقیه) توسط شهوت و غضب عمل می‌کند و نفس ادراکی شامل حواس بیرونی (پنج حس) و حواس درونی (حس مشترک، خیال (مصوره)، متخیله، وهم و حافظه (ذاکره) می‌باشد. نفس انسانی تعقل کلیات را بر عهده دارد و شامل نیروی دانشی (عقل نظری) و نیروی عملیاتی (عقل عملی) است. عقل نظری ادراک عقلی می‌کند و عقل عملی تدبیر بدن را بر عهده دارد (۱۴) (شکل ۲).

از نظر حکمت متعالیه، جهان دارای سه بخش «عالم طبیعت، عالم مثال و عالم عقول» است که رابطه‌ای طولی بین این سه عالم وجود دارد. مرتبه بالایی بر مرتبه پایینی برتری دارد. هر موجود طبیعی با توجه به این سه نوع جهان، سه نحوه از وجود دارد که شامل «وجود عقلی، مثالی و وجود مادی» می‌باشد.

فلاسفه اصل هستی و گردش آن را به شکل یک دایره ترسیم می‌کنند (۱۵) (شکل ۳).

فلاسفه بر این باور هستند که مخلوق نخست از حق تعالی که عقل اول است و از آن سایر عقل‌ها ایجاد می‌شود، به وجود آمد.

ج. عقل از نظر روایات: از پیشوایان اسلام مطالب زیادی در رابطه با عقل ذکر شده است، اما با توجه به موضوع بحث این مطالعه و نیز محدودیت ظرفیت این نوشتار، فقط نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود. بدیهی است که هر روایت خود شایان تدبر و توضیحی مفصل و مستقل می‌باشد:

خداوند، پیغمبر و رسول را جز برای تکمیل عقل مبعوث نساخته است.

تا بنده واجبات را به وسیله عقل خود نفهمد، آن‌ها را انجام نداده است.

عاقل‌ترین مردم کسی است که حق را اطاعت کند.

خداوند پیامبران را فرستاد تا مردم از جانب خداوند «خردمند» شوند و هر کس این موضوع را نیکوتر پذیرد، معرفتش بهتر شود و شخصی که به فرمان خداوند داناتر است، عقلش نیکوتر است و کسی که عقلش کامل‌تر است، مقامش در دنیا و آخرت بالاتر می‌باشد.

خداوند بر مردم دو حجت آشکار و پنهان دارد. حجت آشکار، رسولان و انبیا و ائمه (ع) هستند و حجت پنهان، عقل مردم است.

آرزوی دراز، گفتار بیهوده و خواهش‌های نفسانی، باعث ویرانی عقل می‌شود.

صبر به تنهایی نشانه قوت عقل است.

اعمال اندک از عالم، چند برابر پذیرفته می‌شود.

زیادی بر احتیاج عاقل را از دنیا کنار می‌گذارد.

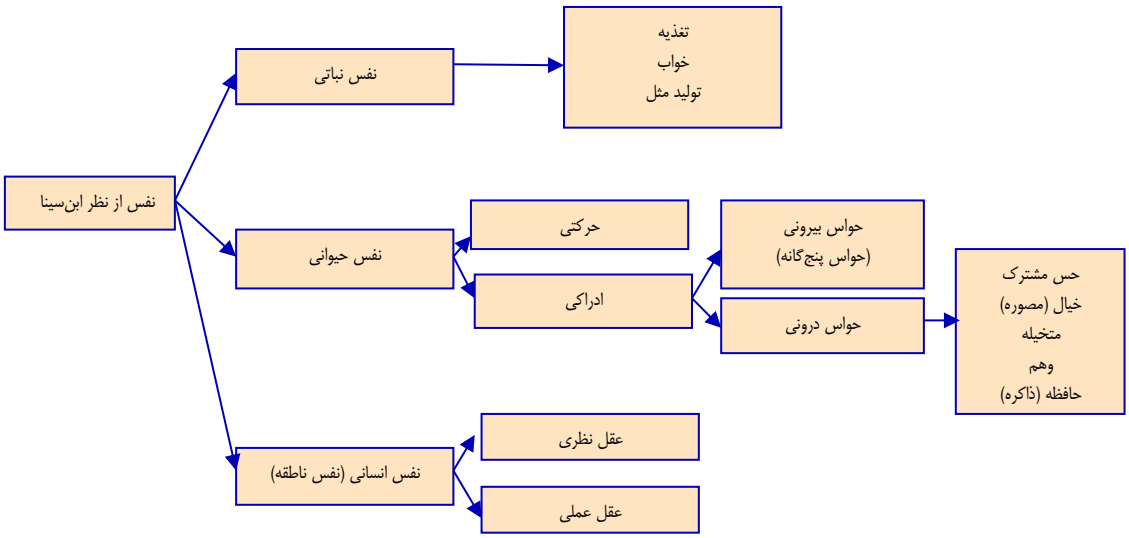

شکل ۲. تقسیم‌بندی نفس از دیدگاه ابن‌سینا

www.mui.ac.ir

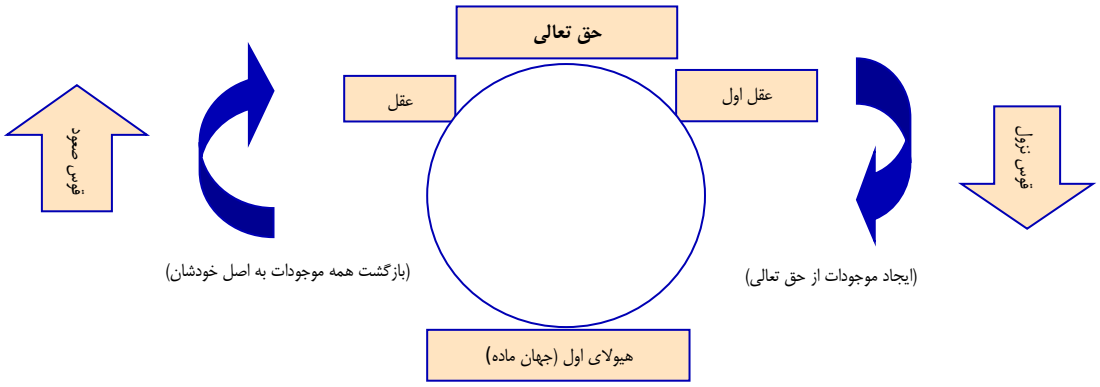

شکل ۳. هستی و گردش آن

عاقل بین دنیا و آخرت، آخرت را انتخاب می‌کند.

کسی که ثروت بدون مال، دل‌آسودگی از حسد و سلامتی دین مـی‌خواهـد، باید از خدا بخواهد عقلش را زیاد کند.

خداوند به چیزی بهتر از عقل پرستش نشود.

عقل اولین مخلوق است و تعابیر متفاوتی مانند روح محمدی (ص) و قلـم و ملک کروبی دارد.

عقل، قوه تشخیص و وادار کننده انسان به نیکی، صلاح و بازدارنده از شر و فساد است.

عقل چیزی است که به وسیله آن خدا پرستش شود و بهشت به دست آیـد. البته، نیرنگ و شیطنت هم می‌تواند نمایشی شبیه عقل را داشته باشد.

خداوند به بندگانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده است.

همان‌گونه که عقول افراد بشـر بـه دلیـل شـدت و ضـعف متفـاوت اسـت، تکالیف انسان‌ها نیز متناسب با عقول آنان است. پس آن کس که عقل قوی‌تری دارد، نسبت به دارنده عقل ضعیف‌تر دارای تکلیف بیشتری است.

پایه شخصیت انسان عقل است و هـوش، فهـم، حافظـه و دانـش از عقـل سرچشمه می‌گیرد.

حدیث معروف «جنود عقل و جهل» در روایات اسلامی، تعریـف جـامعی را در مورد عقل بیان داشته است. در این حدیث با بیان ۷۵ ویژگی برای عقل، ابعاد و جوانب مختلف مفهوم عقل به طور موشکافانه مورد بحث قرار گرفتـه اسـت. از جمله ویژگی‌هایی که برای صاحبان عقل در این روایت ذکر شده است، می‌تـوان به ایمان به خدا، توکـل، اعتمـاد بـه خـدا، امیـدواری، خشـنودی و سپاسـگزاری خداوند، مهربانی، فروتنی، شـکیبایی، قناعـت، امانـت‌داری، راسـتگویی، رازداری، انصاف، میانه‌روی، اعتدال، سخاوتمندی، زیرکی، شادابی و خوش رفتـاری، اهـل شادی، اهل نماز و روزه، جهاد، حج، نیکی به والـدین و اهـل توبـه و دعـا اشـاره کرد (۱۴).

د. عقل از نظر قرآن: واژه عقل در قرآن حدود ۵۴ بار آمده است که یک بار به صورت «مِن بَعدِما عُقلوهُ» (بعد از فهمیـدنش)، یـک بـار بـه صـورت «مـا یَعقِلُها» (نمی‌فهمند)، یک بار دیگر بـه صـورت «نَعقُـل» (تعقـل کـرده بـودیم)، ۲۷ بار بـه صـورت «تَعقِلـونَ» (مـی‌اندیشـید) و ۲۴ بـار بـه صـورت «یَعقِلـونَ» (می‌اندیشند) آمده است. طبق نظر علامه محمد حسین طباطبـایی، اگـر کلمـات نزدیک یا مرتبط با عقل در قرآن شامل نهیه، حجر، قلب، لب، فؤاد، أمـر، ملـک، روح، نور قلم، حجت، سلطان و حلم و... نیز به این تعـداد اضـافه شـود، بیشـتر از ۳۰۰ بار از عقل در قرآن یاد شده است و این خود دلالت بر اهمیت این مفهوم از منظر قرآن دارد. برای طبقه‌بندی اجمالی و سربسته آیاتی که عقـل در آن‌هـا بـه کار رفته است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (۱۶).

قرآن چندین بار از افراد می‌خواهد که در مورد پیامبرش که با آن‌ها زنـدگی کرده است و پاداشی از آن‌ها نمی‌خواهد، تعقل کنند. گویا می‌خواهد این مطلب را برساند که اگر از عقل خود استفاده کنید، به روشنی درمی‌یابید که این پیامبر حق و نبوت حق است و بی‌احترامی و بی‌ادبی نسبت به پیامبر، از بی‌عقلی می‌باشـد و عدم استفاده از عقل، باعث انکار نبوت می‌گردد.

خداوند چندین نوبت با اشاره به قرآن عربـی و خصوصـیات آن و اشـاره بـه کتب آسمانی، از افراد می‌خواهد تا عقل خود را به کار ببندند که اگر چنین کننـد، به واقع خواهند یافت که این کتاب حق است.

خداوند در قرآن مکرر از آیات و نشانه‌های خود و این که چگونه آسمان‌هـا، زمین و انسان‌ها خلق شده‌اند، سیر زندگی را بیان می‌دارد و می‌خواهد که از عقل خود استفاده کنند و ربوبیت خدا را در تمام این آیات روشن ببینند.

در قرآن اشاره شده است که آخرت بهتر است و آنچـه نـزد خداونـد اسـت، باقی است و می‌ماند و این موضوع به معنی آن است که با به کـار بـردن عقـل، معاد برای انسان‌ها روشن می‌شود، البته اگر به کار گیرند.

خداوند گاهی انسان‌ها را امر به معروف و یا نهـی از منکـر مـی‌کنـد و بعـد توصیه می‌کند که اگر عقل خود را به کار ببرید، در می‌یابیـد کـه آنچـه در قـرآن می‌باشد، حق است؛ چرا که که سازگار با فطرت و همان تبیـین دیـن اسـت کـه وجود و وجوب آن را عقل می‌فهمد، البته به شرطی که به کار گرفته شود.

خداوند گلایه‌ای دارد که چرا کسانی را می‌پرستید که گمراه کننده هستند و نفعی برای شما ندارند؟ و در این‌جا از خواننده می‌خواهد که عقل خود را بـه کـار ببندد تا متوجه شود که چه چیزی برای او سودمند نیست.

خداوند دلبستگی به دنیا را مانع رسیدن به کمال می‌داند و انسان را متوجـه این موضوع می‌کند.

خداوند افراد بی‌عقل را مانند کسانی مـی‌دانـد کـه کـر و لال هسـتند و بـر دل‌هایشان مهر زده شده است و مانند حیوانات هسـتند و از همـه مـی‌خواهـد در مورد این افراد تعقل کنند تا به حقیقت برسند.

هـ. عقل از نظر علوم روان‌پزشکی و روان‌شناسی: از تعاریفی که

www.mui.ac.ir

در روان‌پزشکی و روان‌شناسی نزدیک به واژه عقل است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

واقعیت‌سنجی (Reality testing): شامل توانایی افتراق بین دنیای بیرون، جهان درون و قضاوت صحیح در مورد رابطه بین خود و محیط است.

قضاوت (Judgment): نوعی کنش ذهنی که در آن گزینه‌های موجود در چارچوب یک مجموعه از ارزش ها مقایسه یا ارزیابی می شود تا مسیر خاصی از عمل انتخاب گردد.

بینش (Insight): شناخت آگاهانه از وضعیت خود

هوش (Intelligence): توانایی آموختن، یادآوری، ادغام سازنده و به کارگیری یادگیری‌های قبلی

شناخت (Cognition): فرایند ذهنی یادگیری، دانستن و آگاه شدن

هوشیاری (Consciousness): حالت بیداری همراه با پاسخ به محرک‌های طبیعی

محتوای تفکر (Thought): به آنچه بیمار در مورد آن می‌اندیشد، گفته می‌شود.

حافظه (Memory): فرایندی که اطلاعات تجربه شده یا آموخته شده را در مغز ثبت، ذخیره‌سازی و یادآوری می‌کند (۱۶).

شخصیت شامل سه جزء منش (Character)، روان (Psyche) و سرشت (Temperament) می‌باشد. در مورد سرشت چهار خصوصیت Harm avoidance (آسیب‌گریزی) (صفرایی)، Noveltyseeking (نوجویی) (سودایی)، Reward dependence (پاداش‌پذیری) (دمی) و Persistence (پشتکار) (بلغمی) مطرح شده است که در سراسر عمر ثابت می‌ماند.

در مورد منش نیز سه نوع خودهدایت شده (Self-directed)، همکار (Cooperative) و تعالی‌طلب (Self transcende) بیان شده است.

در این‌جا Psyche به آگاهی (Self awareness) یا Spirit اشاره دارد (این مفهوم با آنچه به طور عام در مورد Psyche تعریف می‌شود، متفاوت است) (۱۷).

از سایر مفاهیمی که در روان‌شناسی وجود دارد و به نظر می‌رسد تا حدودی به مفهوم عقل نزدیک باشد و یا ارتباطی با آن داشته باشد، به طور خلاصه می‌توان به نقطه نظریات Piaget، Sullivan، Kohlberg، Maslow، Ericson، Young و Horney اشاره کرد (۱۸-۱۶) که در ادامه بیان شده است.

از دیدگاه Piaget، چهار مرحله عمده تا رسیدن به قابلیت اندیشیدن در حد بزرگسالان وجود دارد که خلاصه این مراحل در جدول ۱ نشان داده شده است (۱۷).

Kohlberg یک مدل مرحله استدلال اخلاقی را بیان نمود که شامل اخلاق دوره پیش‌دبستانی (اجتناب از تنبیه و دستیابی به پاداش)، اخلاق قراردادی (مبتنی بر دستورات منابع قدرت یا نفع متقابل) و اخلاق مبتنی بر اصول فردی (مبتنی بر اصول اخلاقی درونی شده کلی) می‌باشد (۱۷).

در نظریه رشد شناختی Sullivan می‌توان به مواردی مانند مرحله ادراک ابتدایی (Prototaxic) (شیرخوارگی و اوایل کودکی) تجارب گذرا و بدون ارتباط با هم درک می‌شود، مرحله خودمحوری (Parataxic) (اوایل کودکی) تجارب معنی سمبولیک دارد، اما قوانین منطقی بر آن‌ها حاکم نیست و مرحله منطقی (Syntactic) که در آن جهان و خود بر اساس قوانین منطقی، ارتباط زمانی، اعتبار خارجی و ثبات داخلی درک می‌شود (۱۷).

Sullivan در نظریه رشد اجتماعی خود به مراحل زیر اشاره می‌کند؛ ۱- شیرخوارگی (از تولد تا شکل‌گیری زبان): با نیاز به تماس بدنی و صحبت مشخص می‌شود و ناحیه تعامل اولیه دهان و تا حدی مقعد است. ۲- دوران کودکی (شکل‌گیری زبان تا شروع مدرسه): کودک روی پدر و مادر تمرکز دارد. ۳- نوجوانی (۵ تا ۸ سالگی): روابط بین فردی به طرف گروه همسالان و منابع قدرت خارجی انتقال می‌یابد. ۴- قبل از بلوغ (۸ تا ۱۲ سالگی): حرکت به سمت صمیمیت واقعی به سمت یک نفر (۱۶). ۵- نوجوانی: با بلوغ شروع می‌شود. مانند دوره قبلی است، اما در این دوره امیال جنسی هم به روابط بین فردی اضافه می‌شود.

Maslow نیز مطالبی را در مورد وضعیت روانی انسان مطرح می‌نماید که تا حدودی ممکن است با بحث عقل ارتباط داشته باشد؛ بدین ترتیب که زندگی انسان مبتنی بر برآوردن یک سری از نیازها است و پنج سطح «نیازهای فیزیولوژیک (غذا، آب، رابطه جنسی و خواب)، نیاز به حمایت و امنیت، نیاز به عشق و تعلق، نیاز به احترام به خود و اعتماد به نفس و نیاز به زیبایی، اعتماد، خودشکوفایی» دارد (۱۶).

Ericson هشت مرحله برای رشد روانی انسان مطرح نموده است که عبارت از «اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی (بدو تولد تا ۱۸ ماهگی)، خودمختاری در مقابل شرم و تردید (۱۸ ماهگی تا سه سالگی)، ابتکار در مقابل احساس گناه (سه سالگی تا ۵ سالگی)، سخت‌کوشی در مقابل احساس حقارت (۵ تا ۱۳ سالگی)، هویت در مقابل سردرگمی نقش (۱۳ سالگی تا ۲۱ سالگی)، صمیمیت در مقابل انزوا (۲۱ تا ۴۰ سالگی)، زایندگی در مقابل بی‌حاصلی (۴۰ تا ۶۰ سالگی) و یکپارچگی در مقابل یأس (۶۰ سالگی تا هنگام مرگ)» می‌باشد (۱۷).

مبانی نظریات Young این بود که بدون لحاظ کردن نفوذ متقابل نیروهای اجتماعی، فرهنگی، شخصی و کهن الگویی، امکان درک روان و ضمیر ناخودآگاه پدید نخواهد آمد. او هشت نوع روان‌شناختی را معرفی کرد که شامل «برون‌گرای متفکر، برون‌گرای احساسی، برون‌گرای حسی، برون‌گرای شهوی، درون‌گرای متفکر، درون‌گرای احساسی، درون‌گرای حسی و درون‌گرای شهوی» می‌باشد (۱۸).

بر اساس نظر Horney، انگیزه اصلی رفتار انسان، احساس امنیت است و از دست دادن امنیت باعث اضطراب می‌شود. انگیزه مهم آدمیان نیازهای آن‌ها است. وی ده نیاز را مطرح می‌کند که شامل «نیاز روان آزردگی به محبت و مورد تأیید واقع شدن، نیاز به شریکی که مسؤولیت زندگی فرد را عهده‌دار شود، نیاز به تجربه زندگی در حصارهای تنگ، نیاز به داشتن قدرت، نیاز به استثمار دیگران، نیاز به اعتبار اجتماعی، نیاز به تحسین شدن، نیاز به موفقیت، نیاز به خودکفایی و استقلال و نیاز به کمال‌گرایی و مورد انتقاد واقع شدن» می‌باشد (۱۸).

جدول ۱. مراحل کسب توانایی اندیشیدن از دیدگاه Piaget

نام مرحله	دوره سنی	ویژگی مرحله
حسی- حرکتی	۰-۲ سالگی	کسب توانایی درک جهان خارج از خود
پیش عملیاتی	۲-۷ سالگی	استفاده از زبان و نقاشی، یادگیری بدون استدلال
عینی (غیر انتزاعی)	۷-۱۱ سالگی	استدلال استنتاجی، ادراک ثبات شی، ادراک بازگشت‌پذیری
عملیات صوری	۱۱ تا آخر نوجوانی	تفکر انتزاعی، استدلال استنتاجی، استدلال ازکل به جز و بالعکس

www.mui.ac.ir

جدول ۲. مقایسه برخی ویژگی‌های عقل از منظر اسلام، روان‌شناسی و روان‌پزشکی

ویژگی	اسلام	روان‌شناسی و روان‌پزشکی
ماهیت	بالاترین درجه وجود پس از خداوند، نیروی وجود	کنشی ذهنی برای مقایسه ارزش‌ها، فرایند اندیشیدن و فرایند قضاوت
مراحل رشد	*عقل نظری: هیولایی، بالملکه، بالفعل و بالمستفاد *عقل عملی: تخلیه، تجلیه، تحلیه و فنا	حسی- حرکتی، پیش‌عملیاتی، عینی، صوری ادراکی ابتدایی، خودمحوری و منطقی
انواع	*عقل نظری و عقل عملی نفس نباتی، حیوانی و انسانی	سالم- بیمار
عملکرد	تشخیص درست از غلط، تشخیص حق از باطل، بازداری از شرور فسادها، بهترین وسیله پرستش خداوند، تأمین آرامش روانی و تأمین سعادت هر دو جهان	افتراق بین دنیای درون و بیرون، شناخت آگاهانه از وضعیت خود و دیگران و محیط، آگاه شدن، آموختن و یادآوری

*نشان دهنده ویژگی ذکر شده فقط از زاویه‌ای خاص می‌باشد.

در نظریه‌های شناختی بر این واقعیت تأکید می‌شود که ارگانیسم یک دستگاه، پردازش اطلاعات است و هدف آن کسب تطابقی بهینه با محیطی است که از طریق حواس خود ادراک می‌کند. این دستگاه در غیاب اطلاعات کافی نمی‌تواند نقشه‌ای شناختی را که تجربه جاری باید بر آن منطبق شود، ترسیم کند و در نتیجه، دچار سامان گسیختگی و عدم انطباق می‌شود. افراد برای پایش رفتار خود و داشتن سطح بهینه‌ای از پاسخ‌دهی، باید همواره از محیط بازخورد بگیرند وگرنه مجبور هستند تا دورن‌مایه‌های ویژه خود را برون‌فکنی کنند که ارتباط چندانی با واقعیت ندارد (۱۹).

به‌تازگی توانایی مثبت و عاطفی انسان در جهت سازگاری و بهداشت روان تحت عنوان هوش هیجانی (Emotional intelligence) مفهوم‌سازی شده است که مؤلفه‌های آن در بردارنده مفهوم سلامت در اندیشه و رفتار می‌باشد. هوش عاطفی نوعی پردازش اطلاعات عاطفی و شامل ارزیابی صحیح عواطف در خود و دیگران و ابراز مناسب هیجان و تنظیم سازگارانه عواطف است؛ به نحوی که منجر به بهبود جریان زندگی می‌شود (۱۹). هوش عاطفی مجموعه‌ای از توانایی‌های غیر شناختی و مهارت‌هایی است که بر توانایی رویارویی موفقیت‌آمیز با خواسته‌ها، مقتضیات و فشارهای محیطی تأثیر می‌گذارد (۲۰).

هوش هیجانی دربرگیرنده پنج مقوله درون فردی، بین فردی، توان سازگاری، مدیریت استرس و خلق و خوی عمومی است (۲۱).

در جدول ۲ مقایسه خلاصه و ساده‌ای بین برخی از ویژگی‌های عقل در منابع نشان داده شده است. بدیهی است که مقایسه کامل ویژگی‌ها، نیاز به پردازش وسیع‌تری دارد که در این پژوهش نمی‌گنجد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، پیدا کردن مفهوم عقل در منابع دینی، روان‌پزشکی، روان‌شناسی و سپس یافتن وجوه اشتراک و اختلاف بین آن‌ها بود. ابتدا منابع موجود در دسترس مطالعه شد و این نتیجه به دست آمد که مفهوم عقل از نظر قرآن و روایات به طور کامل مشابه یکدیگر بوده، عقل، اولین مخلوق خداوند و بهترین چیزی است که خداوند به بندگانش بخشیده است و پایه شخصیت انسان عقل محسوب می‌شود. هوش، فهم، حافظه، دانش و... از عقل سرچشمه می‌گیرد و خداوند در قیامت نسبت به حساب بندگانش به اندازه عقلی که در دنیا به آن‌ها داده است، بازخواست می‌کند. در کتب روان‌پزشکی و روان‌شناسی دانشگاهی موجود، مفهوم عقل به طور مستقیم کمتر مورد اشاره قرار گرفته است و به جای آن اغلب فرایندهایی که باعث شکل‌گیری یک عاطفه یا رفتار می‌گردد، به بحث کشیده شده است. در علوم روان‌پزشکی عقل به مفهوم هوشیاری نسبت به شرایط جسمی، روانی و واقعیت‌های موجود، قضاوت، بینش صحیح در مورد آن‌ها و عدم وجود اختلال در تفکر است. در علوم روان‌شناسی، خردمند بودن به بینش صحیح به شرایط خود و دیگر افراد و محیط و یک نوع پختگی در شرایط خود اطلاق می‌گردد که فرد را به رضایتمندی درونی می‌رساند (۱۶، ۵).

به نظر می‌رسد که تشابهات این دیدگاه‌ها را بتوان به صورت «وجود یک پدیده مشترک به نام عقل بین همه انسان‌ها، وجود یک نقطه آغازین برای شکل‌گیری و یک تکامل و یک سیر برای آن، عوامل خارجی می‌تواند در سیر حرکت و تکامل عقل دخالت داشته باشد و حتی می‌تواند مسیر تکامل را معکوس نماید، برای تکامل عقل نیاز به برطرف کردن موانع، برداشتن تضادها و نیز معالجه بیماری‌های مربوط به آن می‌باشد و برای داشتن یک عقل سالم نیاز به شرایط سالم، محیط سالم و پرورش صحیح است و پرورش صحیح به اسباب و لوازمی نیاز دارد» بیان کرد.

از تفاوت‌های این مفهوم و نظریات مختلف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عاقل بودن در فرهنگ روان‌پزشکی به معنی بینش صحیح نسبت به خود، بیماری خود، قضاوت صحیح در شرایط مختلف، داشتن تفکری عاری از هذیان، توهم، وسواس، ترس مرضی و...، اما در فرهنگ دینی یعنی در مسیر بندگی خداوند و نه دیگری گام برداشتن است که این وضعیت چیزی بیش از آنچه در ادبیات روان‌پزشکی موجود است را می‌طلبد.

از دیدگاه اسلام مفهوم عقل بسیار جامع، کامل و گسترده است. اسلام مفهوم عقل را تا قیامت (دنیای پس از مرگ) کشانده است و آنقدر این مفهوم قیامتی عقل را پررنگ کرده است که اگر حرکتی به سمت قیامت و به عبارت دیگر به سمت خداوند نباشد، آن را از حیطه عقل خارج می‌داند و فاقد عقل بیان می‌دارد؛ در حالی که بیشتر نظریات روان‌شناسی و روان‌پزشکی در این مورد سکوت کرده‌اند.

اسلام تفکر خدا محوری را مد نظر دارد و مفهوم عقل از نظر روان‌پزشکی یک مفهوم روانی- زیستی (Psycho-biologic) و انسان محور است.

در کتب اصلی منبع اسلامی که در تبیین مفهوم عقل می‌باشد، به مسایل بیولوژیک کمتر اشاره شده، هرچند این موضوع در برخی از کتب غیر اصلی اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است.

از دیدگاه اسلام، برای پرورش عقل از روش‌هایی استفاده شده است که در دیدگاه روان‌شناسی و روان‌پزشکی در مواردی مورد قبول نبوده‌اند و در مواردی درباره آن‌ها سکوت شده است. مانند انجام واجباتی همچون نماز، روزه، حج و نیکی به والدین.

www.mui.ac.ir

برای درمان بی‌عقلی، اسلام پیشنهادهایی دارد که در منابع روان‌شناسی و روان‌پزشکی اظهار نظر چندانی در مورد آن‌ها (حداقل در حال حاضر) مشهود نیست. به عنوان نمونه، این که دروغگویی و خیانت در امانت از جهالت و بی‌عقلی است و برای رسیدن به عقل باید از آن‌ها پرهیز کرد.

به نظر می‌رسد که از نظر اسلام دو دسته عقل ندارند؛ یکی آن‌هایی که مغز بیمار یا معلولی دارند و لوازم تشخیص عقل را ندارند و گروه دیگر عده‌ای که لوازم تعقل و مغز بیولوژیک را دارند، اما خداوند را در تفکرات خود مد نظر قرار نمی‌دهند؛ در حالی که منابع روان‌پزشکی و روان‌شناسی در مورد حالت دوم، به خصوص در مواردی که عوامل اجتماعی و تربیتی خاصی مطرح نیست، به طور تلویحی سکوت اختیار کرده است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از نظر اسلام عقل عبارت است از قوه تشخیص خوب و بد و عاملی که به وسیله آن نیکویی‌ها تقویت می‌گردد و از تباهی‌ها بازداشته می‌شود. عقل اساس شخصیت انسان و پدیده‌ای است که به وسیله آن خداوند پرستش می‌شود و در موضوعات پس از مرگ هم جایگاه مهمی برای آن در نظر گرفته شده است و اسلام تا حدود زیادی با این رویکرد به ساختن زندگی انسان می‌پردازد. در روان‌پزشکی به مفهوم قضاوت واقع‌بینانه و توان برنامه‌ریزی، در روان‌شناسی به بینش صحیح به شرایط خود، دیگران و محیط اطلاق می‌گردد و در مورد مسایل پس از مرگ سکوت شده است. به نظر می‌رسد که سردرگمی موجود در زمینه تعاریف، تشخیص و درمان اختلالات شخصیتی تا حدود زیادی منعکس کننده این غفلت و مربوط به آن باشد (۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۳، ۱).

محدودیت‌ها: اظهار نظر صریح، دقیق و کاملی در این زمینه به علت وسعت مطالب هم در بعد اسلامی، هم در بعد روان‌شناسی و روان‌پزشکی و هم از نظر تنوع سلیقه‌هایی که در این حیطه در هر کدام از رویکردها وجود دارد، کار مشکلی است. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر به ابعاد کوچک‌تری تقسیم گردد و توسط پژوهشگران متعددی انجام شود تا بتوان به ابعاد جدیدی از نظریات اسلامی در زمینه مسایل روان‌شناسی و روان‌پزشکی دست یافت.

سپاسگزاری

مطالعه حاضر برگرفته از پایان‌نامه دستیاری روان‌پزشکی با شماره ۳۹۲۰۳۷، مصوب مرکز تحقیقات علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان می‌باشد. بدین وسیله نویسندگان از کارکنان و استادان مرکز تحقیقات علوم رفتاری که نقش مؤثری در تأیید و اجرای پژوهش ایفا نمودند، سپاسگزاری می‌نمایند. همچنین، از جناب آقای دکتر اصغر طاهرزاده که با همکاری، راهنمایی‌ها و حضور مؤثر خود، بر کیفیت دستاوردهای پژوهش به نحو مؤثری افزودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

1. Nejati MO. Quran and psychology. Trans Arab A. 8th ed. Mashhad, Iran: Islamic Research Foundation of Astane Quds Razavi Publications; 2009. [In Persian].
2. Nejati MO. Hadith and psychology. Trans. Sheiki HR. 2nd ed. Mashhad, Iran: Islamic Research Foundation of Astane Quds Razavi Publications; 2009. [In Persian].
3. Najmabadi A. Contrastive survey of the authenticity of wisdom regarding Kant and Molla Sadra. [MSc Thesis]. Isfahan, Iran: University of Isfahan; 2008. [In Persian].
4. Hosseini D. The realm of perception and authenticity of wisdom from the perspectives of Ibn Arabi and Molla Sadra [MSc Thesis]. Isfahan, Iran: University of Isfahan; 2006. [In Persian].
5. Amiri N, Khosropanah A. Wisdom and wisdom orientation in philosophy and Quran. Interdisciplinary Research Journal of Holy Quran 2009; 1(2): 33-42. [In Persian].
6. Rostamabadi M. Thinking upon the religious and philosophical concept of wisdom. Letter of Culture Journal 1993; 12: 78. [In Persian].
7. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. 2nd ed. Tehran, Iran: Darol Kotob-e Islamie; 1974. [In Persian].
8. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. Tehran, Iran: University of Tehran Press; 2010. [In Persian].
9. Marashli N. Al-Raghib Al-Isfahani Mojam Mofradat Alfaz Quran. Thehran, Iran: Mortazavi Publications; 1973. [In Persian].
10. Hanks P, Lawrence U. Collins English Dictionary complete and unabridged. 13th ed. Glascow, UK: Harper Collins Publisher; 2013.
11. Danesh Shahraki H. Wisdom from the perspective of Quran and Transcendental Wisdom. Qum, Iran: Bustan Ketab; 2008. [In Persian].
12. Ansari Shirazi Y. Description of the Manzumeh-e-Hekmat. Qum, Iran: Bustan Ketab; 2013. [In Persian].
13. Kajbaf MB. Science of self from the Islamic scientist perspectives. Isfahan, Iran: Ravan Publications; 2010. [In Persian].
14. Koleini A. Usul Al-kafi (Interpretation and Description). Shiraz, Iran: Elmie Eslamie Publications; 1950. [In Persian]. .
15. Tabatabaee MH. Tafsir Al-Mizan. Qum, Iran: Eslami Publications; 2008.
16. Sadock BJ, Sadock VA. Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry: Behavioral sciences/clinical psychiatry. 11th ed. Philadelphia, PA: Lippincott Williams and Wilkins; 2014.
17. Sadock BJ, Sadock VA, Ruiz P. Kaplan and Sadock's comprehensive textbook of psychiatry. 9th ed. Philadelphia, PA: Lippincott Williams and Wilkins; 2009.
18. Shamloo S. Schools and theories in personality psychology, Tehran, Iran: Roshd Publications; 1998. [In Persian].
19. Horn JL. The theory of fluid and crystallized intelligence in relation to concepts of cognitive psychology and aging in adulthood. In: Craik FIM, Trehub S, editors. Aging and cognitive processes. Boston, MA: Springer; 1982. p. 237-78.
20. Kaufman JC. Intelligent testing: Integrating psychological theory and clinical practice. 1st ed. New York, NY: Cambridge University Press; 2009.
21. Lindenberger U, Baltes PB. Intellectual functioning in old and very old age: Cross-sectional results from the Berlin Aging Study. Psychol Aging 1997; 12(3): 410-32.

www.mui.ac.ir

A Comparative Study of the Concept of Wisdom in Islamic, Psychological, and Psychiatric Resources

Seyed Ghafur Mousavi[1], Ahmad Karami[2], Amrollah Ebrahimi[3], Asghar Taherzadeh[4]

Review Article

Abstract

Aim and Background: The concept of wisdom and its other equivalents have an important place in Islamic sciences, psychology, and psychiatry because of their determining roles in human health. Therefore, The present study explained and compared this concept in these three resources.

Methods and Materials: In this was a review study, after looking up the word "wisdom" in the Arabic, Persian, and English dictionaries, and Quranic Arabic Corpus, the concept was extracted from the perspective of Islamic philosophers, Imams, the Quran, and academic textbooks of psychiatry and psychology. Finally, the common features and points and differences of the concept in the mentioned resources were described.

Findings: Wisdom can be described in three perspectives. The Islamic literature has divided wisdom into theoretical and practical and described it as judgment power, preventer of deviation and corruption, the basis of human personality, and a human appraisal criterion in the hereafter. Psychiatry has defined wisdom as having true insight into the self, one's disorders, and correct judgment in various conditions. In psychological literature, the concept of wisdom is the ability to think and practice based on knowledge, experience, and correct insight.

Conclusions: All three resources believe in the gradual evolution of wisdom and consider various factors affecting this evolution. However, in the Islamic view, the concept of the hereafter, as an important and essential concept, has different approaches and perspectives.

Keywords: Wisdom, Thought, Judgment, Islam, Psychiatry, Psychology

Citation: Mousavi SG, Karami A, Ebrahimi A, Taherzadeh A. **A Comparative Study of the Concept of Wisdom in Islamic, Psychological, and Psychiatric Resources.** J Res Behav Sci 2017; 15(2): 261-8.

Received: 14.04.2017 Accepted: 07.06.2017

1- Professor, Behavioral Sciences Research Center AND Department of Psychiatry, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
2- Psychiatrist, Behavioral Sciences Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
3- Associate Professor, Behavioral Sciences Research Center AND Department of Psychiatry, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
4- Professor, Department of Islamic Education, School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
Corresponding Author: Seyed Ghafur Mousavi, Email: mousavi@med.mui.ac.ir